

فصلنامه علمی «پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی»

شماره سوم، بهار ۱۴۰۱: ۶۷-۹۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۹

نوع مقاله: پژوهشی

مهاجرت‌های داخلی و امنیت اجتماعی: مطالعه رابطه گوه‌های مهاجرت‌های داخلی و ضریب ناامنی محیط اجتماعی در ایران

محمود مشفق*

چکیده

هدف این مقاله، مطالعه ارتباط ضریب امنیت محیط اجتماعی و الگوهای مهاجرت‌های داخلی با رویکردی آسیب‌شناسانه است. روش تحقیق در این پژوهش، تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری است، جامعه آماری، ۳۱ استان کشور در سال ۱۳۹۰ است. بر اساس پوشه دو درصد سرشماری، نمونه مورد بررسی ۹۵۰۹۳ نفر مهاجر است. مبانی نظری این پژوهش، نظریه بی‌سازمانی اجتماعی است که اثرات مهاجران تازه‌وارد را در جامعه مقصد از نظر آسیب‌شناسی تحلیل می‌کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که از کل مهاجرت‌های داخلی مورد بررسی، حدود ۱۶ درصد مهاجرت‌ها بالقوه آسیب‌زاست. مقصد اصلی مهاجرت‌های آسیب‌زا عمدتاً استان‌های همدان، تهران، خراسان رضوی و البرز است. نزدیک به ۸۰ درصد مهاجرت‌های آسیب‌زا در سنین ۱۵-۳۵ سالگی اتفاق می‌افتد. همچنین بین درصد مهاجرت‌های آسیب‌زا و ضریب ناامنی محیط اجتماعی با ضریب اطمینان ۹۹.۹۹ درصد همبستگی معنادار مشاهده شد، اما رابطه میان میزان خالص مهاجرت و ضریب ناامنی محیط اجتماعی همبستگی غیر معنادار و ضعیف مشاهده شد. با توجه به نتایج آماری یادشده می‌توان نتیجه گرفت که خود مهاجرت فی‌نفسه منجر به بروز آسیب‌های اجتماعی نمی‌شود، بلکه کیفیت مهاجران و چگونگی انطباق‌پذیری مهاجران با محیط جامعه مقصد است که زمینه بروز آسیب‌های اجتماعی ناشی از مهاجرت را فراهم می‌کند.

واژه‌های کلیدی: مهاجرت‌های داخلی، آسیب‌های اجتماعی، ناامنی، محیط اجتماعی، بی‌سازمانی اجتماعی.

مقدمه

مطالعات نشان می‌دهد که بین ضریب امنیت محیط اجتماعی و مهاجرت، ارتباط وجود دارد. میزان اثرگذاری مهاجرت به عواملی چون کیفیت مهاجران، نوع مبدأ و مقصد و چگونگی سازگاری مهاجران با محیط مقصد بستگی دارد. اما به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران، اگر مهاجرت تحت تأثیر عوامل دافعه و از روی ناچاری باشد، می‌تواند آسیب‌زا شود. بسیاری از مهاجرت‌های اجباری و ناشی از عوامل دافعه نظیر فقر، بیکاری و ناامنی است. اینگونه مهاجرت‌ها می‌تواند زمینه‌افزایش آسیب‌های اجتماعی را از جمله اعتیاد، سرقت و جرم و بزه‌های مختلف را در جامعه مقصد دامن بزند. مهاجرت از طریق به‌هم‌زدن ترکیب جمعیتی مناطق مهاجرپذیر، افزایش تراکمی جمعیت، افزایش تنوع قومی و فرهنگی، ایجاد رقابت اقتصادی و اجتماعی بین جمعیت بومی و مهاجر، بر ضریب امنیت محیطی اثرگذار خواهد بود.

امنیت محیط اجتماعی را می‌توان برآیند تمام مؤلفه‌های امنیتی (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی) در یک منطقه جغرافیایی دانست، که بر ضریب وقوع جرایم و آسیب‌های اجتماعی و به تبع آن، احساس امنیت شهروندان اثر می‌گذارد.

وجود امنیت محیطی موجب می‌شود که ساکنان از نوعی احساس مطبوعیت محیطی برخوردار شوند و میزان اضطراب و هراس عمومی و اجتماعی کاهش یابد که این مسئله به نوبه خود بر سایر عملکردهای کنشگران اجتماعی اثر مثبت خواهد گذاشت. کاهش امنیت محیطی و افزایش جرائم و بزه‌کاری، رابطه معکوس دارند. مصداق عینی این پدیده، محله خاک سفید تهران بود. این محله علاوه بر اینکه کارکرد انباشته‌کنندگی آسیب‌های اجتماعی از جمله اعتیاد، مصرف مواد مخدر در معابر و بوستان‌های محله، وجود افراد توزیع‌کننده مواد مخدر در محله، سرقت خودرو و لوازم آن، نزاع و درگیری در سطح محله، کارتن‌خوابی، تکدی‌گری و... را داشت، از کمترین امنیت محیطی برخوردار بود و برای سازمان‌های مدیریت شهری تهران از جمله شهرداری و نیروی انتظامی تهران به معضل جدی تبدیل شده بود که نهایتاً منجر به پاک‌سازی و انهدام این محله مسکونی شد (ر.ک: کانلو و قلی‌ایمانی، ۱۳۹۱).

پژوهش خانه‌های مجردی شهر تهران نشان می‌دهد که مهاجرت آسیب‌زا،

تک‌زیستی، اعتیاد و سکونت در بافت‌های فرسوده، عوامل درهم‌تنیده‌ای است که منجر به کاهش ضریب امنیت محیط شهری می‌شود. اثر مهاجرت بر ناامنی، اثری مستقیم و بلاواسطه نیست، بلکه اثر تعاملی و ترکیبی است. یعنی در تعامل با سایر عوامل، موجبات ناامنی را فراهم می‌کند. از این‌رو می‌توان گفت که مهاجرت بر ناامنی، اثری انباشتی و تراکمی دارد. این مقاله در تلاش است تا به بررسی رابطه‌الگوی مهاجرت‌های داخلی و ضریب امنیت محیطی بپردازد.

در این مقاله با رویکردی آسیب‌شناسانه، مهاجرت‌های داخلی به دو نوع مهاجرت‌های آسیب‌زا و غیر آسیب‌زا تقسیم‌بندی می‌شود و تلاش خواهد شد تا رابطه ضریب امنیت محیطی با الگوهای مهاجرتی بررسی شود. همچنین با استفاده از شاخص‌های آسیب‌های اجتماعی و بهره‌گیری از ابزار آماری، شاخص امنیت محیط اجتماعی ساخته می‌شود. سپس به پهنه‌بندی استان‌های کشور از نظر ضریب مهاجرت‌های آسیب‌زا، ضریب آسیب‌های اجتماعی و ضریب ناامنی محیطی می‌پردازد. این مقاله تلاش می‌کند تا دریابد که میان ضریب امنیت محیطی و شاخص‌های مهاجرتی، چه رابطه‌ای برقرار است؟ از این‌رو اهداف این مقاله عبارتند از:

- پهنه‌بندی استان‌های کشور از نظر مهاجرت‌های آسیب‌زا و غیر آسیب‌زا و ویژگی‌های مهاجرت‌های آسیب‌زا
- سنجش همبستگی‌های مکانی - فضایی بین جابه‌جایی‌های جمعیتی و آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی نظیر بیکاری، اعتیاد، طلاق، شیوع انواع جرایم در سطح استان
- تهیه و تدوین شاخص ترکیبی ضریب ناامنی محیطی در استان‌های کشور با استفاده از شاخص‌های مختلف و تعیین وزن اثر خالص شاخص‌های مهاجرتی و سایر عوامل همبسته

بیان ضرورت و اهمیت تحقیق

جابه‌جایی‌های جمعیتی از دو منظر با جنبه‌های آسیب‌شناسی اجتماعی ارتباط می‌یابد. یکی با بار کمی مهاجرت‌ها، که خود بر سازمان فضایی منطقه مهاجرپذیر اثرگذار بوده، در نتیجه بسترساز و زمینه‌ساز بروز آسیب‌های اجتماعی است. افزایش تراکم و تمرکز جمعیت و فعالیت‌ها در شهر با جهت‌گیری شیب مهاجرت ارتباط دارد.

تراکم بیش از حد جمعیت علاوه بر اینکه درجه رفتارهای پرخاشجویانه و آسیب‌زا را افزایش می‌دهد، از کارایی کنترل‌های اجتماعی می‌کاهد. موضوع دیگر، بار کیفی مهاجرت‌هاست که با خاستگاه و منشأ روستایی مهاجران و نحوه اسکان آنها در شهر، در پیوند و تعامل است. این ویژگی اخیر که از مهم‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار در آشفتگی سازمان فضایی شهرها به شمار می‌رود، به شکل حاشیه‌نشینی یا اسکان‌های غیر رسمی و ایجاد ناهمگونی در بافت اجتماعی و فرهنگی جامعه شهری نمایان می‌شود که زمینه‌های مناسبی برای بروز آسیب‌های اجتماعی فراهم می‌آورد (Kubrin, 2009). ر.ک: Cullen & Wilcox, 2013: 441. علی‌رغم پژوهش در زمینه مطالعات خرد رابطه مهاجرت و جرم، کمبود پژوهش‌های تطبیقی درباره روابط سطح کلان مهاجرت و نرخ‌های جرم وجود دارد. پرسش‌های اصلی به‌طور مشخص‌تری بر موضوعات متعدد تمرکز می‌کنند، مانند اینکه آیا مناطق با مهاجران بیشتر، نرخ‌های جرم بالاتری دارند؟ آیا در سطح کلان مهاجرت، جرم را افزایش می‌دهد؟ اینگونه سؤالات هنوز کاملاً قابل بحث هستند، زیرا مهاجرت پدیده‌ای در سطح کلان است و تأثیراتش می‌تواند خیلی فراتر از اینگونه بحث‌ها باشد که مهاجران بیشتر مستعد جرم هستند تا غیر مهاجران؟

رید نسبت به این موضوع هشدار می‌دهد که «پژوهش درباره رابطه مهاجرت و جرم باید در برخوردهای بوم‌شناختی مهاجرانی که ممکن است نرخ تخلف‌های مجرمانه را تحت تأثیر قرار دهند، به حساب آید. از این‌رو در حالی که مطالعات مجرمیت مهاجران در سطح فردی می‌تواند نشان دهد که مهاجران نوعاً نسبت به هم‌تایان بومی خود در جرایم کمتری دخیل هستند، تأثیر جنبه‌های سطح کلان مهاجرت بر تخلف‌های مجرمانه روشن نیست» (Ried & et al, 2005). ر.ک:

از این‌رو ضرورت و اهمیت این تحقیق بسیار روشن و قابل فهم است. این تحقیق ضمن اینکه می‌تواند در شناخت وضعیت مهاجرتی استان‌های کشور و مکانیزم‌های ارتباطی آن ضریب امنیت محیط اجتماعی مفید باشد، همچنین در شناخت ارتباط مهاجرت و فراوانی وقوع انواع جرایم در سطح استان‌ها مؤثر است. همچنین در پهنه‌بندی استان‌های کشور در زمینه وضعیت مهاجرت آسیب‌زا و غیر آسیب‌زا و ارتباط آن با آسیب‌های اجتماعی، راه‌گشا خواهد بود.

تخصیص منابع انسانی و امکانات در زمینه مدیریت آسیب‌های اجتماعی و پیشگیری و حل آسیب‌های اجتماعی، به شناخت ما از توزیع مکانی آسیب‌ها و نحوه ارتباط آن با مهاجرت بستگی دارد. این تحقیق تلاش خواهد کرد تا وضعیت جغرافیایی انواع مهاجرت‌ها را با رویکردی آسیب‌شناختی بررسی کند. همچنین به لحاظ مفهومی و سنجشی، انواع مهاجرت‌ها را از نظر آسیب‌زا بودن و غیر آسیب‌زا بودن، تفکیک خواهد نمود و نیز ارتباط میان مهاجرت‌های آسیب‌زا را با نرخ بروز انواع جرایم اجتماعی بررسی خواهد نمود. به‌علاوه این مطالعه می‌تواند در شناسایی استان‌های پرخطر با ضریب نامنی بالاتر مؤثر باشد و همچنین نشان خواهد داد که تا چه حد ضریب امنیت محیطی این استان‌ها ناشی از الگوی مهاجرتی آنهاست.

مبانی نظری

رابطه مهاجرت، جرم و امنیت، گیج‌کننده و پیچیده است. هرچند برخی از نظریه‌ها نشان می‌دهد که مهاجرت بر وقوع جرم اثر منفی دارد و یا اساساً رابطه‌ای بین این دو موضوع قائل نیستند، بسیاری از نظریه‌ها و مطالعات، رابطه‌ای قوی بین مهاجرت و وقوع جرم را به تصویر می‌کشند. برای نمونه، نظریه گزینشی بودن مهاجرت معتقد است که مهاجران، نمونه‌ای تصادفی از جمعیت جامعه مبدأ نیستند و بر اساس برخی از ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گزینش می‌شوند. از این‌رو تمایل به اقدامات مجرمانه بین آنها پایین است. تونری ادعا می‌کند: «بسیاری از مهاجران برای به‌دست‌آوردن موقعیت‌های شغلی و تحصیلی‌ای مهاجرت می‌کنند که در جامعه خود در اختیار ندارند و به دنبال این هستند که زندگی بهتری برای خود و خانواده خود بسازند. بیشترشان سخت‌کوش، آماده جهت‌زیر پا گذاشتن لذت آنی برای پیشرفت‌های بلندمدت‌تر هستند و از این‌رو احتمالاً به هم‌رنگ جماعت شدن و درست رفتار کردن روی می‌آورند» (Tonry, 1997: 21). (Cullen & Wilcox, 2013).

دیدگاه‌های کنترل اجتماعی رمسی^۱ بر واکنش برانگیخته‌شده به مهاجرت و تأثیری که این واکنش می‌تواند بر کشف جرم در جامعه مهاجران داشته باشد، تمرکز می‌کند. به‌ویژه این دیدگاه‌ها مدعی می‌شوند که افزایش حجم مهاجرت به یک منطقه، ترس و

نگرانی درباره وخیم‌تر شدن معضل جرم را افزایش می‌دهد و در نتیجه واکنشی را از سوی مسئولان امنیت عمومی برای «انجام دادن کاری» در زمینه حل مشکل جرم برمی‌انگیزاند. اغلب این واکنش شامل سختگیری روی جرم و به خدمت گرفتن افسران پلیس بیشتر جهت دستگیری مجرمان می‌شود و با توجه به رویکرد اقدامات بازدارنده جهت جلوگیری از وقوع جرم، منجر به کشف جرم بیشتری در مناطق مهاجرپذیر می‌شود. در حقیقت برخی پژوهش‌های طولی نشان می‌دهد که افزایش تعداد نیروهای پلیس در هر منطقه به‌ویژه مناطق مهاجرپذیر، به نرخ پایین‌تر جرم کمک می‌کند (ر.ک: Cullen & Wilcox, 2013; Levitt, 2004).

نظریه‌های متعددی درباره اثرات انکارناپذیر نرخ مهاجرت بر نرخ وقوع جرم وجود دارد. به طور کلی نظریه‌هایی که رابطه مهاجرت و جرم را مثبت ارزیابی می‌کند، به سه دسته کلی تقسیم می‌شود. دسته اول، نظریه‌های بوم‌شناختی و اکولوژیک است که بین ناپایداری جمعیتی، ساختار بازار کار و آسیب‌های اجتماعی ناشی از فرایندهای مهاجرتی و میزان وقوع جرم، رابطه مثبتی برقرار می‌کند. نظریه‌های بوم‌شناختی بر تغییرات در ویژگی‌های جمعیتی در پی افزایش یا کاهش مهاجرت تمرکز می‌کند. چه‌بسا تغییرات ممکن است مربوط به ترکیب جنسی و سنی ساکنان باشد؛ با توجه به اینکه چنین تغییراتی می‌تواند سهم جمعیتی را که در یک هرم سنی، پتانسیل بیشتری برای ارتکاب جرم دارند، بالا ببرد؛ به‌ویژه هنگامی که مهاجرت با تعداد بیشتری از مردان جوان همراه باشد.

دسته دوم نظریه‌ها بر رابطه افزایش مهاجرت با افزایش نرخ بالاتر جرم در میان همه گروه‌های جمعیتی تأکید دارد. در راستای این نظریه، رید یادآور می‌شود که «مهاجرت می‌تواند ساختار جمعیت شهری و ساختار اقتصادی را به اشکال گوناگونی تغییر شکل دهد که سطوح مجرمیت افراد بومی را نیز افزایش دهد» (Ried & et al, 2005: 761). یکی از راه‌هایی که مهاجرت ممکن است موجب بروز این مسئله شود، به وسیله تغییر دادن پویایی‌های واحدهای همسایگی است. بر اساس نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، مهاجرت می‌تواند به‌طور مثبتی با نرخ جرم افزایش یافته، در سطوح همسایه‌ها مرتبط باشد؛ مقدمتاً به این خاطر که این مسئله به ناپایداری جمعیتی و یا تغییر و تحول مسکونی می‌انجامد.

تغییر و تحول مسکونی زیاد، در عوض باعث افزایش وقوع جرم می‌شود، زیرا این مسئله، پیوندهای اجتماعی را تضعیف می‌کند و کنترل اجتماعی غیر رسمی را کاهش

می‌دهد. یعنی عامل کلیدی در مبارزه علیه جرم را خنثی می‌کند. بر اساس این نظریه، مهاجرت به‌خودی‌خود نیست، بلکه اثرات آن بر روند همسایگی است که به نرخ جرم بالاتر می‌انجامد (lee, Martinez and Rosenfeld, 2001: 560).

رویکرد سوم، بر نقش موقعیت‌های اقتصادی، به‌ویژه با توجه به ساختار بازار کار تأکید می‌کند. این بحث مدعی است که مهاجرت می‌تواند با افزایش سهم جمعیت با تحصیلات پایین، مهارت‌های کاری کم و چشم‌اندازهای اشتغال ضعیف، سطوح وقوع جرم را بالا ببرد. در واقع مهاجران کنونی هم نسبت به مهاجران پیشین و هم بومیان، مهارت کمتری دارند (ر.ک: Cullen & Wilcox, 2013; Butcher and Piehl, 1988)، که فقدان و ضعف سرمایه انسانی را ایجاد می‌کند. این موضوع در عوض، چشم‌اندازهای شغلی را محدود می‌کند و همچنین ممکن است فرصت‌های سکونت را برای مهاجرانی که به مناطقی در نواحی محروم روانه شده‌اند، محدود کند.

در چنین حوزه‌هایی، احتمال بیشتری دارد که مهاجران در معرض بیکاری، فقر و دیگر نارسایی‌های اجتماعی وابسته به حوزه محرومیت اقتصادی قرار گیرند. مهاجران همچنین با موانع زبانی روبه‌رو می‌شوند و ممکن است که تبعیض را تجربه کنند. به عنوان نتیجه و در راستای نظریه ساختار فرصت، آنها ممکن است به ابزار غیر قانونی برای به‌دست‌آوردن ثروت سوق داده شوند، از جمله پیوستن به جنایت‌کاران و فروش مواد مخدر (lee, Martinez & Rosenfeld, 2001: 560; Ried & et al, ;Mears, 2002; ر.ک: 759: 2005). یکی از تفاسیر جایگزین اما بیشتر مرتبط، بر اینکه چگونه مهاجرت و تغییرات در ساختار بازار کار می‌تواند رفتار ساکنان بومی را تحت تأثیر قرار دهد، تمرکز می‌کند. پژوهش کنونی پیشنهاد می‌کند که مهاجرت افزایش یافته می‌تواند دیگران، بومیان و اقلیت‌ها را جابه‌جا کند (ر.ک: Beck, 1886; Waldiger, 1997) و به افزایش مجرمیت گروه‌های جابه‌جاشده بینجامد (ر.ک: Wilson, 1996). مهاجران از این‌رو ممکن است با ازدحام و متراکم کردن بومیان در خارج از بخش‌های قانونی، تأثیری منفی بر جرم داشته باشند. اگر مهاجران به گونه منفی، گزینه‌های قانونی بومیان را با در اختیار گرفتن مشاغل و یا گران‌بار کردن سیستم رفاهی تحت تأثیر قرار دهند، بومیان با مهارت پایین ممکن است شرکت خود را در فعالیت‌های مجرمانه افزایش دهند (Butcher & Piehl, 1988: 459).

سرانجام مباحثات مربوط به بازارهای مواد مخدر غیر قانونی، تصور یک ارتباط مثبت میان مهاجرت و جرم را ارتقا می‌دهد. برای تازه‌کارها، با تعیین اینکه مهاجران به گونه نامتناسب در مناطق محروم ساکن می‌شوند، محتمل است که در معرض وعده‌ها و دام‌های بازارهای مواد مخدر فضای باز بیشتری قرار گیرند، به‌ویژه خشونت مرتبط با چنین بازارهایی. همچنین از آنجا که مهاجران، به‌طور نامتناسبی جوان و مذکر هستند، این گروه‌های سنی برای به خدمت گرفته شدن جهت شرکت در بازارهای مواد مخدر مناسب می‌باشند. یکی از راه‌هایی که مهاجران با سرمایه انسانی ضعیف جهت تأمین هزینه‌های معاش و زندگی خود بیش از پیش به آن روی می‌آورند، ملحق شدن به باندهای قاچاق مواد مخدر است. پس در همه موارد، افزایش مهاجرت به محله‌ها، شهرها و مناطق کلان شهر به تشدید نرخ جرم در آن مناطق می‌انجامد.

رویکرد نظری این مقاله: نظریه بی‌سازمانی اجتماعی

نظریه‌های جرم‌شناسی توانسته‌اند دلایلی قانع‌کننده ارائه دهند که بین ارتکاب جرم و مهاجرت، ارتباطی علی برقرار است. در اوایل قرن حاضر، محققان تأکید داشتند که منشأ و علت مهاجرت، نقش بسزایی در وقوع جرائم دارد. به‌ویژه نظریه بی‌سازمانی اجتماعی به‌طور مفصل به این موضوع می‌پردازد که چگونه مهاجران تازه‌وارد می‌توانند توانایی و کارایی یک جامعه را در کنترل مؤثر ساکنانش خدشه‌دار سازند. اکولوژیست‌های شهری وابسته به مکتب شیکاگو بیان می‌کنند که فرایندهای شهری بر اساس قوانین طبیعی هدایت می‌شوند. آنها با استفاده از زبان آناتومی و زیست‌شناسی تکاملی بیان می‌کنند که شهرها همانند واحدهایی هستند که به‌طور پیوسته از یک فرآیند متابولیسم در جهت دستیابی به یک حالت تعادل و موازنه کارکردی استفاده می‌کنند (ر.ک: Burgess, 1925; Park, 1936; Wirth, 1938; Stowell, 2007).

این فرآیند تجدیدشونده شهری از طریق تغییر، دسته‌بندی و بازمانی‌یابی افراد و گروه‌ها صورت می‌گیرد را بایستی از طریق تغییر محل اقامت و اشتغال ردیابی کرد (Burgess, 2015: 54). گروه‌بندی و درجه‌بندی شهروندان بر اساس عرف اکولوژی، ضرورتاً نتیجه رشد و توسعه شهری و تلاش شهرها در جهت انطباق و سازگاری با افزایش

جمعیت و همچنین استفاده بهینه و حداکثری از زمین جهت سکونت است. مک‌کی و شاو (۱۹۶۹) در کتاب «بزه‌کاری نوجوانان و محیط‌های شهری» نشان می‌دهند که میزان جرائم در محیط‌های شهری‌ای که بیشتر در معرض دسترسی است، بیشتر رخ می‌دهد. مک‌کی و شاو معتقدند که خصوصیات ساختاری محیط‌های شهری، نوجوانان را به سوی ارتکاب جرم و بزه‌کاری سوق می‌دهد. به‌ویژه به این علت که جوامع شهری، «تغییرات متوالی» را در ساختار و ترکیب جمعیتی خود تجربه می‌کنند و به همین علت، آنها در کنترل مؤثر و کارآمد اجتماعی اعضای جامعه خود ناتوان هستند.

فقدان کنترل‌های لازم و ضروری از یکسو و آشفتگی و بی‌نظمی محیط‌های اجتماعی از سوی دیگر باعث افزایش تعداد و سطوح جرم در جامعه خواهد شد (Shaw, & McKay, 1969: 315؛ ر.ک: Stowell, 2007). آنها خاطرنشان می‌سازند که بدون در نظر گرفتن تحولات جمعیتی، این مناطق با ثبات نسبی در میزان‌های جرم مشخص می‌شوند. نکته قابل توجه در این تحقیق، این حقیقت است که نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، بین مهاجرت و جرم و ناامنی، ارتباط برقرار می‌کند. طرفداران این دیدگاه از نظریه بی‌سازمانی اجتماعی معتقدند که مهاجرت خود ذاتاً فرایندی ناپایدار است و باعث فرایند آشفتگی و نابسامانی شهری می‌شود. از منظر اکولوژی شهری، مهاجران تازه‌واردی که نسبت به متوسط اعضای جامعه مبدأ خود، فاقد کیفیت‌های لازم باشند، مجبور می‌شوند که برای به‌دست‌آوردن شغل و مسکن مناسب پیوسته با هم در رقابت باشند. این مهاجران در محیط‌هایی که فاقد منابع غنی بوده، همچنین از نظر اقتصادی در محرومیت به سر می‌برند، سازمان‌دهی می‌شوند.

فقر اقتصادی در نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، بیشتر خود را نمایان می‌کند و بر این تأکید دارد که هجوم مداوم مهاجران تازه‌وارد، سطوح بی‌ثباتی سکونتی و ناهمگونی دموگرافیک را در پی خواهد داشت. این دو عامل خود باعث صدمه دیدن توانایی جامعه در اجرای اقدامات کارآمد جهت کنترل اجتماعی جامعه‌ای می‌شود که ساکنانی را بیش از ظرفیتش در خود جای داده است (Stowell, 2007: 95).

اکولوژیست‌های شهری معتقدند که ارتکاب سطوح بالای جرائم و بزه‌کاری در محیط‌های آشفته و فقدان سازمان، نتیجه شخصیت فطری و ذاتی ساکنان جامعه و یا

سیستم اعتقادی خرده‌فرهنگی آنها نیست. به بیان دقیق‌تر، «افزایش شیوع جرم و بزه‌کاری در یک جامعه، برآیند بر هم خوردن ساختار محیطی همان جامعه است. به هر حال از منظر اکولوژی شهری می‌توان گفت که با افزایش جمعیت مهاجران در یک محیط، این مکان‌ها پناهگاهی برای جرم، فحشاء، مصرف مشروبات الکلی و زندگی پرهرج و مرج می‌شود» (Burgess, 2015: 38).

نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، دورنمایی را از محیط‌هایی که میزان جرم و جنایت در آن بالاست، برایمان ترسیم می‌کند. به عبارت دیگر این محیط‌ها، محل تجمع مهاجران فقیر، فقرای شهری و بی‌خانمان‌هاست و ماهیتی چندقومیتی و چندفرهنگی دارد. بر اساس مطالب یادشده، نظریه بی‌سازمانی اجتماعی بر این منطق استوار است که مهاجرت از سه طریق بر بی‌نظمی، ناامنی و وقوع جرم در محیط‌های فاقد سازمان اثر می‌گذارد. به‌ویژه نظریه‌پردازان بی‌سازمانی اجتماعی نقشی کلیدی را برای تأثیر عدم تجانس جمعیتی مناطق مهاجرپذیر بر بی‌مکانی اجتماعی در نظر می‌گیرند. از آنجا که این مهاجران هستند که اثر اصلی را بر واحدهای همسایگی می‌گذارند، باعث دگرگونی و عدم توازن در جامعه مهاجرپذیر می‌شوند که این عمل بر سطوح ساختاری کنترل اجتماعی آسیب می‌رساند. بنابراین بر اساس نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، ارتباطی مستقیم و تنگاتنگ میان مهاجرت و جرم مطرح است.

هرچند شاو و مک‌کی، بحثی درباره مدل نظری خود بیان می‌کنند، جرم ضرورتاً ارتباطی مستقیم با مهاجرت ندارد؛ ولی منطق تئوری به‌طور تلویحی بر این اصل استوار است که رابطه‌ای غیرمستقیم میان جرم و مهاجرت برقرار است. با توجه به اصول نظری اکولوژی شهری و نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، بی‌نظمی اجتماعی از طریق نیروهای اجتماعی خارجی از جمله مهاجرت وارد جامعه بسامان می‌شود و تعادل ساختاری یک منطقه مختل می‌شود، زیرا جامعه مورد نظر نمی‌تواند به‌طور موفقیت‌آمیز خود را با فشارهای خارجی تطبیق دهد. به عبارت بهتر، نیروهای بیرونی، خود مجموعه عامل‌هایی هستند که فرایندهای آشفتگی و نابسامانی جامعه میزبان را رقم می‌زنند یا اینکه باعث حفظ و تداوم این فرایندها می‌شوند. این تئوری، مهاجرت را ذاتاً به عنوان یک عامل بی‌سازمانی معرفی نمی‌کند؛ اما بر این مسئله تأکید دارد که مهاجرت از طریق اثرگذاری بر خصوصیات ساختاری جامعه میزبان موجب افزایش ناامنی و جرم می‌شود. مهاجرت از

طریق تجمیع و تراکم فقر در منطقه خاص، ایجاد تنوع اجتماعی و قومی و ایجاد اقامت ناپایدار و گذار از مناطق مهاجرنشین بر فراوانی وقوع جرم و ناامنی اثر مثبت دارد. هرچند این نظریه، ارتباط علی روشنی را بین بی‌نظمی و جرم برقرار می‌کند، این سؤال باقی می‌ماند که آیا اثرات مهاجران بر ویژگی‌های ساختار اجتماعی مناطق متفاوت است؟ یعنی این نظریه آشکار نمی‌سازد که آیا ویژگی‌های مهاجران وارد شده به یک منطقه، اثرات متفاوتی بر ساختار اجتماعی و به دنبال آن میزان رخداد جرم می‌گذارد یا نه. در این نظریه، مهاجران به عنوان یک گروه همسان در نظر گرفته می‌شوند و احتمال اینکه تفاوت در بین مهاجران، اثرات متفاوتی را بر ترتیبات ساختاری مناطق داشته باشد، نادیده گرفته می‌شود. اما به نظر می‌رسد که علاوه بر کمیت جمعیت‌های مهاجر، کیفیت مهاجران (از جمله علت مهاجرت، قومیت، سطح سواد و تحصیلات و...) تأثیرات بیشتری بر افزایش سطح بی‌سازمانی و به دنبال آن افزایش جرم و ناامنی داشته باشد. به طور کلی از نگاه نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، دلایل قانع‌کننده‌ای وجود دارد که بین مهاجرت و میزان جرم رابطه وجود دارد و اگر رابطه مهاجرت و میزان جرم را بپذیریم، به دنبال آن فرضیه‌های ذیل مطرح می‌گردد: الف) میزان جرم و کار خلاف در مناطق مهاجرپذیر بسیار بیشتر از مناطقی است که مهاجرپذیر نیستند. ب) کیفیت مهاجران، ارتباط تنگاتنگی با میزان جرم دارد. در نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، امنیت به محیط اجتماعی زندگی مرتبط است. از این‌رو در این تحقیق، نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، مبنای طرح فرضیه‌ها و سؤالات تحقیق قرار گرفته است.

مرور مطالعات پیشین

ایگر^۱ (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان «مهاجرت داخلی و جرم در برزیل» نشان داد که افزایش ده درصدی نرخ مهاجرت به یک منطقه، باعث افزایش ۴.۹ درصدی نرخ قتل می‌شود. او بیان می‌کند که این رابطه به دلیل اثرات مداخله‌ای بازار کار است، نه خود مهاجران. وی نتیجه‌گیری می‌کند که تأثیر مهاجرت داخلی بر افزایش جرم، مشروط به توانایی بازارهای کار محلی در پذیرش مهاجران جدید است. در این پژوهش، او به این

نتیجه می‌رسد که مهاجرت داخلی بر اشتغال رسمی در بازارهای کار بسته، اثر منفی می‌گذارد و بر نرخ بیکاری مردان جوان، اثر مثبت خواهد داشت.

کولامپامبیل^۱ (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای با عنوان «مهاجرپذیری، مهاجرت‌های داخلی و جرم در افریقای جنوبی» نشان داد که نسبت مهاجران داخلی به‌طور مثبت و معناداری با نرخ جرم و جنایت در پنج دسته مختلف جرم مرتبط است، به استثنای نرخ جرایم جنسی. او نتیجه‌گیری می‌کند که هیچ رابطه‌ای بین نسبت مهاجر خارجی و میزان جرم و جنایت در هیچ‌یک از جرایم مورد تجزیه و تحلیل به جز جرایم مربوط به امور مالی تأیید نشد. وی به این نتیجه می‌رسد که نابرابری درآمد و نسبت جنسی به عنوان عوامل تعیین‌کننده در اکثر انواع جرم و جنایت در آفریقای جنوبی است.

آکای^۲ (۲۰۱۷)، تأثیرات بیکاری، نرخ طلاق، مهاجرت داخلی و وضعیت تحصیل بر جرم را در ۲۶ منطقه کشور ترکیه با استفاده از داده‌های پانلی بررسی کرد و نشان داد که میزان طلاق و سطح تحصیلات بر میزان جرم، اثرات معنادار داشته است، اما اثرات مهاجرت‌های داخلی و بیکاری بر میزان جرم ناچیز بوده است.

سرکان^۳ و همکاران (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان «آیا مهاجرت‌های داخلی بر رفتار مجرمانه بیماران اسکیزوفرنی اثرگذار است؟» نشان دادند که هرچند داده‌های آنها نشان می‌دهد که مهاجرت داخلی، تأثیر معناداری بر میزان اعمال مجرمانه در بیماران اسکیزوفرنی ندارد، به‌طور معناداری بر تکرار جرم در گروه‌هایی که قبلاً سابقه اعمال مجرمانه را داشته‌اند، مؤثر است.

مطالعه خلعت‌بری (۱۳۸۶) در زمینه مهاجران و سرقت‌های مسلحانه نشان می‌دهد که این جمعیت‌های مهاجری که به دلیل ناچاری و انواع محرومیت‌ها به سمت شهرهای بزرگ مهاجرت می‌نمایند، به زندگی در حاشیه و اکناف شهرهایی همچون تهران بزرگ روی می‌آورند و در این رهگذر با آثار مفرط خستگی ناشی از دوری زادگاه، قوم و خویش و محرومیت‌های سنگین، نظاره‌گر وضعیت‌های سطوح زندگی با شهرنشینان شده، سهم خود را در تحقق انتظارات، ناچیز و آمالشان را عقیم و دست‌نیافتنی می‌بینند و این

1. Kollampambil

2. Akay

3. Sercan

سبب می‌شود تا مکانیسم فکرشان، مختلف و روانشان ناآرام و مستعد ورود و گرایش به بزه و بزه‌کاری گردد.

جزینی و همکاران (۱۳۸۶) در مطالعه‌ای با عنوان «رابطه ویژگی‌های جمعیتی ورامین با امنیت عمومی» نشان می‌دهند که تنوع قومی و طوایف، افزایش حضور مهاجران خارجی به‌ویژه افغانه در این شهر و ازدیاد جمعیت مهاجر از تهران و سایر نقاط به این شهر، اثر منفی بر امنیت عمومی شهر داشته است. البته حضور اتباع بیگانه، اثر بیشتری بر کاهش امنیت شهر ورامین داشته است.

برخی مطالعات نیز نشان می‌دهد که کارگران مهاجر نسبت به کارگران بومی، دستمزدهای پایین‌تری دارند و احتمال کمتری وجود دارد که بر اساس قرارداد، کار کنند. مهاجران نه‌تنها شهرنشینان درجه دوم، بلکه کارگران درجه دوم نیز محسوب می‌شوند. این امر منجر به کاهش امنیت شغلی و اقتصادی اینگونه مهاجران می‌شود و احتمال اعمال مجرمانه را در این افراد افزایش می‌دهد (Fei, 2005: 3).

وانک و زو^۱ (۱۹۹۹) نشان می‌دهند که الگوهای روشنی از جداسازی بین اجتماعات مهاجران و ساکنان بومی وجود دارد. آلونک‌ها و خانه‌هایی که با شرایط بسیار بد در حال رشد هستند، از مصادیق این فرایند می‌باشند. آنها نشان می‌دهند که اجتماعات مهاجران با پایگاه پایین اقتصادی-اجتماعی و فقیر نه‌تنها از شرایط زندگی و کاری متفاوتی برخوردار هستند، بلکه از طرف جامعه شهری نیز به عنوان شهروندان درجه دوم در نظر گرفته می‌شوند. بسیاری از مهاجران در کمپ‌هایی که پیمان‌کاران برای آنها آماده کرده‌اند، زندگی می‌کنند. آنها نتیجه می‌گیرند که اینگونه مهاجران، ظرفیت و پتانسیل بالایی برای رفتار مجرمانه و بزه‌کاری دارند.

بیگی در مطالعه خود (۱۳۸۳) درباره معضلات امنیتی و بزه‌کاری حاشیه شهر مشهد که محدوده وسیعی با جمعیتی بیش از ۶۰۰ هزار نفر را در برمی‌گیرد، دریافته که این منطقه به دلیل اینکه مأمنی برای انواع بزه‌کارها شده، تهدیدی برای امنیت شهر و کشور به وجود آورده است. سرقت، کلاه‌برداری، خرید و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی، زورگیری، قتل، فحشاء و... از جرائم انجام‌شده در منطقه است. در این منطقه عمدتاً

مهاجرنشین، ۶۰ درصد جرایم رخ می‌دهد و ریشه بسیاری از جرایم در مناطق دیگر از محدوده همین منطقه یافت می‌شود.

روش تحقیق

روش این پژوهش، تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری است. در بسیاری از کشورهای دنیا، منبع اصلی اطلاعات و داده‌ها درباره مهاجرت‌های داخلی، سرشماری است و در حال حاضر فقط تعداد محدودی از کشورهای دنیا دارای نظام‌های ثبتی مؤثری برای ثبت داده‌های مهاجرت هستند. اطلاعات مربوط به مهاجرت‌های داخلی در سرشماری‌ها از طریق سؤالاتی درباره محل تولد و محل اقامت فرد، یا از طریق روش‌های غیر مستقیم به دست می‌آید.

از آنجا که تنها منبع داده‌های مهاجرت در ایران، سرشماری است، بنابراین برای انجام این پژوهش عمدتاً از داده‌های مهاجرتی سرشماری سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ استفاده شده است. جامعه آماری شامل کلیه مهاجران جابه‌جا شده بین استان‌های کشور در سرشماری ۱۳۹۰ است که تعداد آنها برابر با پنج میلیون و شش صد هزار نفر بوده است. حجم نمونه این تحقیق، دو درصد کلیه مهاجرانی بوده است که بر اساس سرشماری ۱۳۹۰ در بین استان‌های کشور جابه‌جا شده‌اند. بعد از اصلاح داده‌ها و حذف موارد نامعتبر و نامناسب و داده‌های نسبتاً نامناسب، تعداد حجم نمونه به ۹۵۰۹۳ نفر رسید.

روش نمونه‌گیری آن، نمونه‌گیری تصادفی ساده بوده است و حداکثر خطای نسبی برای برآورد نسبت‌ها در سطح دو تا سه درصد و بطور متوسط پنج درصد است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه سرشماری سال ۱۳۹۰ بوده است. این پرسشنامه را مرکز آمار تهیه کرده است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، استفاده از آمارهای توصیفی و استنباطی بوده است و برای انجام تحلیل‌های آماری از نرم‌افزار Excel و SPSS استفاده شده است.

تعاریف مفاهیم اساسی

نامنی محیطی: در این تحقیق، امنیت محیطی، حالتی از فضای اجتماعی است که در آن، مسائل اجتماعی از جمله بیکاری، طلاق و اعتیاد، پایین است و میزان وقوع جرایم

مختلف نیز در سطح پایینی قرار دارد. ضریب امنیت محیطی، یکی از شاخص‌های ترکیبی چندوجهی است که در قسمت تحلیل نتایج به نحوه ساخت آن اشاره خواهد شد.

شاخص ضریب امنیت محیط اجتماعی: شاخص امنیت محیطی با استفاده از روش تحلیل عامل مؤلفه‌های اصلی با بهره‌گیری از نرخ وقوع انواع جرایم از جمله نرخ سرقت، اعتیاد، قتل و... در استان ساخته شده است.

مهاجرت بالقوه آسیب‌زا و غیر آسیب‌زا: آسیب‌زا بودن و غیر آسیب‌زا بودن مهاجرت به سه پارامتر بستگی دارد. نخست، کیفیت مهاجران، دوم، رابطه با جامعه مقصد و سوم، رابطه با جامعه مبدأ. در اینگونه مهاجرت‌ها، فرد مهاجر نسبت به متوسط افراد جامعه مبدأ از کیفیت پایین‌تری برخوردار است و در مقصد هم نتوانسته است با شرایط جدید مهاجرت، خود را سازگار نماید. در جدول شماره (۱)، متغیرهای وابسته و مستقل تحقیق از نظر سطح سنجش، شاخص‌ها و منبع معرفی شده است.

جدول ۱: متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق و سطح سنجش آنها

متغیرها	شاخص‌ها	منابع
مهاجرت‌های آسیب‌زا	- مهاجرانی که سطح تحصیلاتشان زیر دیپلم است. - علت مهاجرت، بیکاری است. - وضعیت شغلی در مقصد همچنان بیکاری بوده است.	نتایج سرشماری ۱۳۹۰، مرکز آمار ایران
مهاجرت‌های غیر آسیب‌زا	- مهاجرانی که سطح تحصیلاتشان بالای دیپلم است. - علت مهاجرتشان، عاملی غیر از بیکاری بوده است. - وضعیت شغلی آنها در مقصد، حالت اشتغال بوده است.	نتایج سرشماری ۱۳۹۰، مرکز آمار ایران
ضریب ناامنی محیطی	نمره عاملی به‌دست‌آمده از ضریب وقوع سرقت، نسبت قتل به جمعیت، نسبت معتاد به جمعیت، نرخ بیکاری، درصد طلاق و درصد اشتغال ناقص، نسبت زنان سرپرست خانوار	دفتر آمار و اطلاعات نیروی انتظامی کشور
نسبت معتاد به جمعیت	تعداد معتاد تقسیم بر کل جمعیت ضرب در هزار	دفتر آمار و اطلاعات نیروی انتظامی کشور
نسبت سرقت به جمعیت	تعداد سرقت تقسیم بر کل جمعیت ضرب در هزار نفر جمعیت	دفتر آمار و اطلاعات نیروی انتظامی کشور

نسبت قتل به جمعیت	تعداد قتل به جمعیت ضرب صد هزار	دفتر آمار و اطلاعات نیروی انتظامی کشور
نرخ بیکاری	تعداد جمعیت بیکار تقسیم بر جمعیت در سن کار ضرب در صد	دفتر آمار و اطلاعات نیروی انتظامی کشور
نسبت زنان سرپرست خانوار	تعداد زنان سرپرست خانوار تقسیم بر کل زنان ضرب در صد	دفتر آمار و اطلاعات نیروی انتظامی کشور
درصد اشتغال ناقص	سهم جمعیت دارای اشتغال ناقص در کل جمعیت	دفتر آمار و اطلاعات نیروی انتظامی کشور

یافته‌ها

پهنه‌بندی استان‌های کشور برحسب مهاجرت‌های بالقوه آسیب‌زا و غیر آسیب‌زا در این تحقیق با استفاده از نمونه ۲ درصدی از مهاجران جابجاشده در داخل کشور، مهاجرت‌های داخلی به گونه عمده تقسیم‌بندی شده است: الف) مهاجرت‌های بالقوه آسیب‌زا (ب) مهاجرت بالقوه غیر آسیب‌زا. بر اساس تعریف عملیاتی، مهاجرت‌های بالقوه آسیب‌زا، مهاجرت‌هایی هستند که افراد مهاجر دارای تحصیلات پایین (زیر دیپلم) هستند و نیز علت مهاجرت آنها در مبدأ، عامل بیکاری بوده است و همچنین بعد از مهاجرت هم نتوانستند کاری دست و پا کنند و عملاً بیکار هستند. برعکس، آن دسته از مهاجرانی که در مبدأ دارای شغل و تحصیلات بالای دیپلم بوده‌اند و در مقصد مهاجرت هم دارای شغل می‌باشند، در دسته مهاجرت‌های غیر آسیب‌زا قرار گرفته‌اند (جدول شماره ۲).

جدول ۲: انواع مهاجرت از نظر آسیب‌شناسی اجتماعی

انواع مهاجرت‌ها	ویژگی‌ها	درصد بر اساس نمونه ۲٪ سرشماری ۱۳۹۰
مهاجرت‌های بالقوه آسیب‌زا	سطح تحصیلات: زیر دیپلم؛ علت مهاجرت: بیکاری؛ وضعیت شغلی در مقصد: بیکار	۱۶٪
مهاجرت‌های بالقوه غیر آسیب‌زا	سطح تحصیلات: بالای دیپلم؛ علت مهاجرت: سایر عوامل به غیر از بیکاری (ادامه تحصیل، رفتن به خدمت سربازی، انتقال شغلی و...); وضعیت شغلی در مقصد: شاغل	۸۴٪

کل نمونه تحلیل‌شده در این تحقیق، معادل ۹۵۵۴۱ نفر مهاجر بوده است که ۸۴ درصد از این رقم، مهاجرت‌های غیر آسیب‌زا بوده است و ۱۶ درصد، مهاجرت‌های آسیب‌زا بوده است (جدول ۲ و شکل ۱).

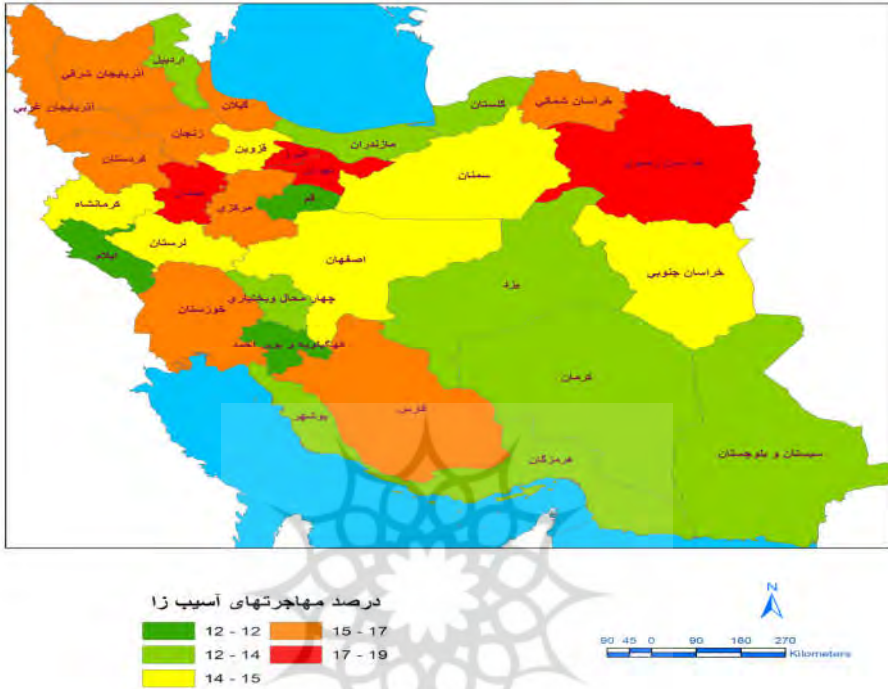
اگر این نمونه را به رقم کل مهاجران جابه‌جاشده کشور در سال ۱۳۹۰ تعمیم دهیم، به این نتیجه می‌رسیم که حدود ۸۸۵۵۴۶ مورد از مهاجرت‌های دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰، مهاجرت‌های بالقوه آسیب‌زا بوده است و حدود ۴۶۴۹۱۱۹ مورد از مهاجرت‌ها، بالقوه غیر آسیب‌زا بوده است. در جدول شماره (۳)، استان‌های کشور برحسب مهاجران واردشده بالقوه آسیب‌زا، رتبه‌بندی شده است.

جدول ۳: رتبه‌بندی استان‌های کشور برحسب مهاجرت‌های بالقوه آسیب‌زا در سال ۱۳۹۰

ردیف	نام استان	درصد	ردیف	نام استان	درصد
۱	همدان	۱۸.۷	۱۷	قزوین	۱۵.۰
۲	تهران	۱۸.۰	۱۸	کرمانشاه	۱۴.۹
۳	خراسان رضوی	۱۷.۹	۱۹	اصفهان	۱۴.۸
۴	البرز	۱۷.۷	۲۰	کرمان	۱۴.۷
۵	آذربایجان غربی	۱۷.۵	۲۱	چهارمحال و بختیاری	۱۴.۶
۶	مرکزی	۱۶.۹	۲۲	مازندران	۱۴.۴
۷	زنجان	۱۶.۶	۲۳	خراسان جنوبی	۱۴.۳
۸	کردستان	۱۶.۶	۲۴	اردبیل	۱۴.۱
۹	آذربایجان شرقی	۱۶.۴	۲۵	سیستان و بلوچستان	۱۳.۶
۱۰	گیلان	۱۶.۰	۲۶	یزد	۱۳.۵
۱۱	کل استان‌ها	۱۶.۰	۲۷	هرمزگان	۱۳.۵
۱۲	خراسان شمالی	۱۵.۸	۲۸	بوشهر	۱۲.۹
۱۳	فارس	۱۵.۷	۲۹	گلستان	۱۲.۸
۱۴	لرستان	۱۵.۱	۳۰	ایلام	۱۲.۴
۱۵	سمنان	۱۵.۱	۳۱	کهگیلویه و بویراحمد	۱۱.۷
۱۶	خوزستان	۱۵.۱	۳۲	قم	۱۱.۷

منبع: محاسبات نویسنده بر اساس داده‌های ۲ درصد سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰، مرکز آمار ایران.

شکل ۱: توزیع مهاجرت‌های بالقوه آسیب‌زا برحسب استان‌های کشور



همچنان که ارقام مندرج در جدول و نقشه نشان می‌دهد، استان همدان با ۱۸/۷ درصد مهاجرت آسیب‌زا، در رتبه نخست مهاجرت‌های آسیب‌زا قرار گرفته است. بعد از استان همدان، استان تهران با ۱۸ درصد، خراسان رضوی با ۱۷/۹ درصد، البرز با ۱۷/۷ درصد در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. استان قم و کهگیلویه و بویراحمد با ۱۱/۷ درصد مهاجرت آسیب‌زا، دارای کمترین مهاجرت آسیب‌زا بوده‌اند.

الگوی سنی مهاجرت‌های آسیب‌زا و غیر آسیب‌زا

جدول شماره (۴)، تفاوت‌های الگوی سنی مهاجرت‌های آسیب‌زا و غیر آسیب‌زا را نشان می‌دهد. همچنان که ملاحظه می‌شود، نزدیک به ۲۵ درصد مهاجرت‌های غیر آسیب‌زا در سنین ۰ تا ۱۴ سال اتفاق می‌افتد، در حالی که فقط ۴/۶ درصد مهاجرت‌های آسیب‌زا در این گروه سنی رخ می‌دهد. حدود ۴۲ درصد مهاجرت‌های غیر آسیب‌زا در گروه سنی ۱۵-۲۹ رخ می‌دهد، در حالی که ۳۹/۷ درصد مهاجرت‌های آسیب‌زا در همین گروه سنی رخ می‌دهد. در گروه سنی ۳۰-۴۵ ساله، ۲۴ درصد

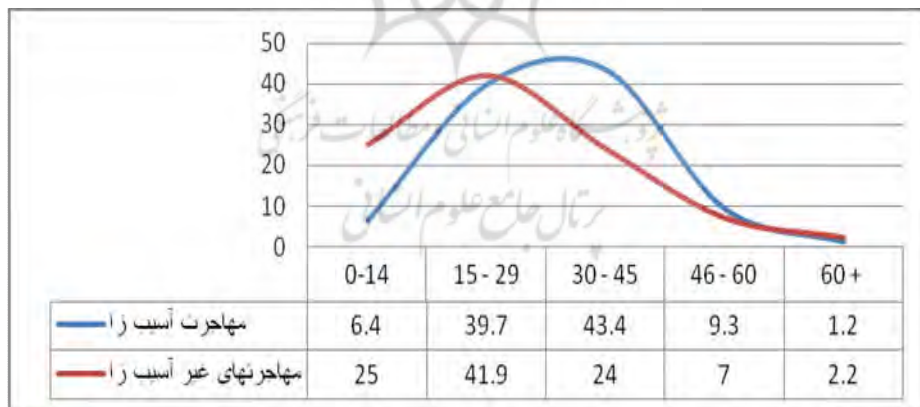
مهاجرت‌های غیر آسیب‌زا رخ می‌دهد، در حالی که نزدیک به ۴۳.۴ درصد مهاجرت‌های آسیب‌زا در این گروه سنی رخ می‌دهد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نزدیک به ۸۲ درصد مهاجرت‌های آسیب‌زا در سنین ۱۵-۴۵ سالگی اتفاق می‌افتد (شکل ۲).

جدول ۴: مقایسه الگوی سنی مهاجرت‌های آسیب‌زا و غیر آسیب‌زا

کل	مهاجرت‌های آسیب‌زا	مهاجرت‌های غیر آسیب‌زا	کل	مهاجرت‌های آسیب‌زا	مهاجرت‌های غیر آسیب‌زا	گروه‌های سنی
۲۲.۱	۶.۴	۲۵.۰	۲۱۰۵۱	۹۴۱	۲۰۱۱۰	۰-۱۴
۴۰.۹	۳۹.۷	۴۱.۹	۳۸۸۸۹	۵۸۷۶	۳۳۶۱۳	۱۵- ۲۹
۲۷.۸	۴۳.۴	۲۴.۰	۲۶۳۹۷	۶۴۲۸	۱۹۹۶۹	۳۰- ۴۵
۶.۸	۹.۳	۷.۰	۶۵۱۰	۱۳۸۱	۴۸۲۹	۴۶- ۶۰
۲.۴	۱.۲	۲.۲	۲۲۴۶	۱۷۲	۱۷۷۴	۶۰ +
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۹۵۰۹۳	۱۴۷۹۸	۸۰۲۹۵	جمع

شکل ۲: الگوی سنی مهاجران برحسب مهاجرت‌های آسیب‌زا و غیر آسیب‌زا:

سرشماری ۱۳۹۰



رابطه مهاجرت‌های آسیب‌زا با برخی از شاخص‌های آسیب‌های اجتماعی

جدول شماره (۵)، ضریب همبستگی مهاجرت‌های آسیب‌زا را با برخی از شاخص‌های آسیب‌های اجتماعی در استان‌های کشور در سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد.

همچنان که ملاحظه می‌شود، بین مهاجرت‌های آسیب‌زا و چهار متغیر: نسبت تعداد معتاد به جمعیت (به هزار نفر جمعیت)، نسبت تعداد سرقت به جمعیت (به هزار نفر جمعیت)، سهم جمعیت دارای اشتغال ناقص (درصد)، نرخ وقوع طلاق (در هزار)، همبستگی معنادار و مثبت وجود دارد. بین مهاجرت‌های آسیب‌زا و نسبت تعداد قتل به جمعیت (به ازای هر صد هزار نفر)، میزان بیکاری و درصد زنان سرپرست خانوار، همبستگی معناداری ملاحظه نشد. شکل (۳)، میزان مهاجرت‌های آسیب‌زا و وقوع سرقت در هر هزار نفر را در سطح استان‌های کشور نشان می‌دهد. همچنان که ملاحظه می‌شود، در بسیاری از استان‌ها، همبستگی بالایی بین نسبت مهاجرت‌های آسیب‌زا و فراوانی وقوع انواع سرقت مشاهده می‌شود.

جدول ۵: ضریب همبستگی مهاجرت‌های آسیب‌زا با برخی از

شاخص‌های آسیب‌های اجتماعی

نام متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
نسبت تعداد معتاد به جمعیت (به هزار نفر جمعیت)	.۵۴۳**	.۰۰۲
نسبت تعداد سرقت به جمعیت (به هزار نفر جمعیت)	.۳۹۶*	.۰۲۸
نسبت تعداد قتل به جمعیت (به صد هزار نفر جمعیت)	.۰۷۸	.۶۷۸
میزان بیکاری (درصد)	.۲۵۴	.۱۶۸
درصد زنان سرپرست خانوار (درصد)	-.۰۵۹	.۷۵۲
سهم جمعیت دارای اشتغال ناقص (درصد)	.۳۰۳*	.۰۰۹
نرخ وقوع طلاق (در هزار)	.۴۹۵**	.۰۰۵

- Correlation is significant at the 0. 01 level (2-tailed). **

- Correlation is significant at the 0. 05 level (2-tailed). *

شکل ۳: مقایسه‌ی میزان مهاجرت‌های آسیب‌زا و وقوع سرقت در هر هزار نفر



ساخت شاخص ضریب ناامنی محیط اجتماعی با استفاده از تحلیل عامل

برای ساخت یک شاخص کلی که نشان‌دهنده ضریب امنیت محیطی در استان‌های کشور باشد، از فن تحلیل عامل استفاده شده است. تحلیل عامل، ابزاری است برای شاخص و مفاهیم انتزاعی‌تر، از جمله مفهوم امنیت. برای تشخیص اینکه آیا می‌توان با استفاده از شاخص‌های آسیب‌های اجتماعی که با مهاجرت‌های آسیب‌زا، رابطه معناداری داشته‌اند، یک شاخص کلی برای سنجش ضریب امنیت محیط اجتماعی ساخت یا نه، اولین گام، استفاده از آزمون KMO است.

بر اساس نتیجه آزمون که مقدار آن برابر $0/696$ است، متغیرهای تحقیق که شامل نسبت تعداد معتاد به کل جمعیت، نسبت سرقت به کل جمعیت، میزان بیکاری، درصد اشتغال ناقص و میزان طلاق است، همچنین نتیجه آزمون بار تلت (4.44) که در سطح

خطای کمتر از ۰/۰۰۱ معنادار است، نشان می‌دهد که ماتریس همبستگی بین گویه‌ها، امکان ساخت عامل‌های زیربنایی را می‌دهد. جدول (۶) نشان می‌دهد که از پنج متغیر وارد شده در تحلیل عاملی، دو عامل ساخته شده است که ۷۱ درصد واریانس مجموعه عامل را تبیین می‌کند.

جدول ۶: ماتریس عاملی چرخش یافته

عامل‌ها		متغیرها
۲	۱	
.۰۰۱	.۹۲۵	نسبت سرقت به کل جمعیت
.۲۲۴	.۷۵۵	نسبت معتاد به کل جمعیت
.۳۶۳	.۷۳۴	میزان طلاق
.۸۸۹	.۰۶۶	درصد اشتغال ناقص
.۷۲۳	.۲۶۹	میزان بیکاری
		روش استخراج: تحلیل عوامل اصلی روش دوران: واریماکس

همان‌طور که در جدول (۶) مشاهده می‌شود، متغیرهای وارد شده در تحلیل عاملی برحسب بارهای عاملی در دو بعد مجزا دسته‌بندی شده‌اند. بعد شماره (۱)، شامل سه متغیر نسبت سرقت به کل جمعیت، نسبت معتاد به کل جمعیت و میزان طلاق و بعد شماره (۲)، درصد اشتغال ناقص و میزان بیکاری است. با جمع جبری این دو بعد، ضریب ناامنی محیط اجتماعی مورد سنجش قرار گرفته است.

جدول ۷: ابعاد سنجشی مفهوم ضریب ناامنی محیطی

مفهوم ناامنی محیط اجتماعی	بعد اجتماعی ناامنی محیطی	بعد اقتصادی ناامنی محیطی
ضریب ناامنی محیط اجتماعی	$(۰/۹۲۵ \times \text{نسبت سرقت به کل جمعیت}) +$ $(۰/۷۵۵ \times \text{نسبت معتاد به کل جمعیت}) +$ $(۰/۷۳۴ \times \text{درصد طلاق})$	$(۰/۸۸۹ \times \text{درصد اشتغال ناقص}) +$ $(۰/۷۲۳ \times \text{نرخ بیکاری})$

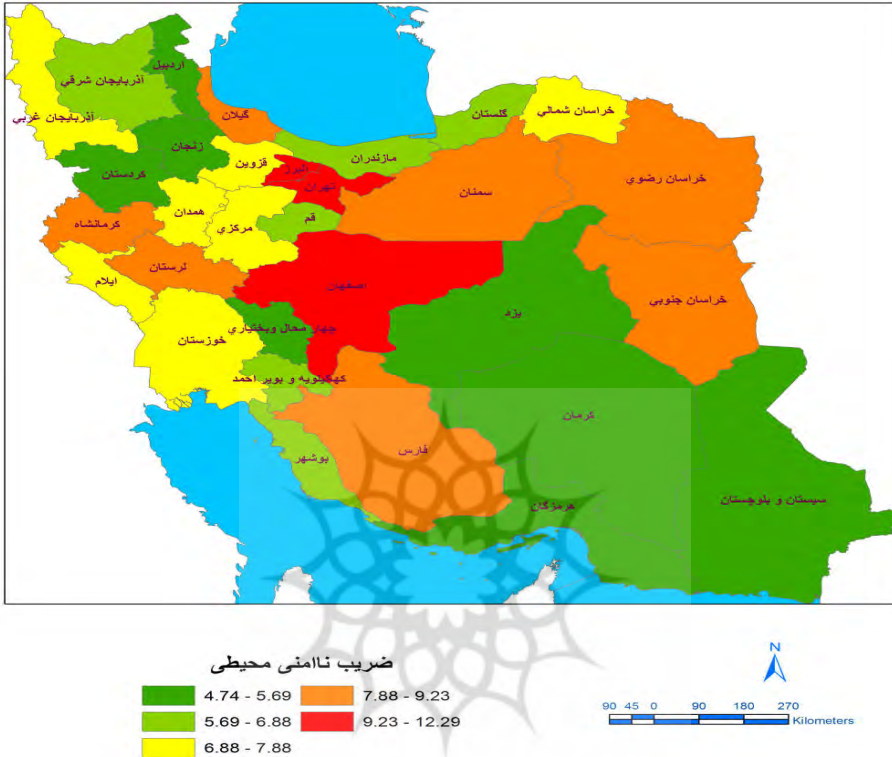
پهنه‌بندی استان‌های کشور برحسب ضریب ناامنی اجتماعی

جدول شماره (۸)، پهنه‌بندی استان‌های کشور را برحسب ضریب ناامنی محیطی نشان می‌دهد. ارقام به‌دست‌آمده از ضریب ناامنی محیطی دست‌ساخته محقق نشان می‌دهد که به ترتیب استان‌های البرز با نمره ۱۲.۲۹، اصفهان با نمره شاخص ۱۰.۳، تهران با نمره ۱۰.۰۹، کرمانشاه با نمره شاخص ۹.۲۳، رتبه اول تا چهارم ضریب ناامنی محیطی را در کشور دارند. بالعکس استان‌های اردبیل با نمره شاخص ۴.۷۴، زنجان با نمره شاخص ۴.۹۸، هرمزگان با نمره شاخص ۵.۰۳ و چهارمحال و بختیاری با نمره شاخص ۵.۴۸، دارای کمترین نمره ضریب ناامنی محیطی هستند.

جدول ۸: پهنه‌بندی استان‌های کشور برحسب ضریب ناامنی محیط اجتماعی

ردیف	نام استان‌ها	ضریب ناامنی محیطی	ردیف	نام استان‌ها	ضریب ناامنی محیطی
۱	البرز	۱۲.۲۹	۱۷	قزوین	۷.۱۴
۲	اصفهان	۱۰.۳	۱۸	آذربایجان شرقی	۶.۸۸
۳	تهران	۱۰.۰۹	۱۹	سیستان و بلوچستان	۶.۸۶
۴	کرمانشاه	۹.۲۳	۲۰	کردستان	۶.۶۵
۵	خراسان رضوی	۸.۹۵	۲۱	مازندران	۶.۶۵
۶	خراسان جنوبی	۸.۷۱	۲۲	گلستان	۶.۴۴
۷	لرستان	۸.۶۶	۲۳	بوشهر	۶.۴
۸	سمنان	۸.۶۳	۲۴	کهگیلویه و بویر احمد	۶.۲۷
۹	فارس	۸.۴۸	۲۵	قم	۵.۶۹
۱۰	گیلان	۸.۳۹	۲۶	کرمان	۵.۶۷
۱۱	ایلام	۷.۸۸	۲۷	یزد	۵.۵
۱۲	همدان	۷.۷	۲۸	چهار محال و بختیاری	۵.۴۸
۱۳	خراسان شمالی	۷.۶۳	۲۹	هرمزگان	۵.۰۳
۱۴	آذربایجان غربی	۷.۵	۳۰	زنجان	۴.۹۸
۱۵	مرکزی	۷.۴۹	۳۱	اردبیل	۴.۷۴
۱۶	خوزستان	۷.۲۷			

شکل ۴: پهنه‌بندی استان‌های کشور برحسب ضریب ناامنی محیط اجتماعی



جدول شماره (۹)، نتایج تحلیل خوشه استان‌های کشور را برحسب میانگین ضریب ناامنی محیطی و میانگین درصد مهاجرت‌های آسیب‌زا نشان می‌دهد. همانگونه که ملاحظه می‌شود، استان البرز به تنهایی در یک خوشه قرار گرفته است و میانگین درصد مهاجرت‌های آسیب‌زا در این استان، برابر با ۱۸ درصد کل مهاجرت‌هاست. در خوشه دوم، استان اصفهان و تهران با میانگین ضریب ناامنی محیطی ۹.۱۰۱ قرار گرفته است و میانگین مهاجرت‌های آسیب‌زا در خوشه دوم برابر با ۵.۱۶ درصد است. خوشه سوم شامل استان‌های خراسان رضوی، همدان، خراسان جنوبی، کرمانشاه، فارس، گیلان، کردستان است که میانگین ضریب ناامنی محیطی در این خوشه برابر با ۲.۸۷ است و میانگین درصد مهاجرت‌های آسیب‌زا برابر با ۸.۱۵ درصد است.

مهاجرت‌های آسیب‌زا برحسب طبقات میانگین ضریب ناامنی محیطی به خوبی همبستگی و ارتباط این دو شاخص را نشان می‌دهد.

جدول ۹: استان‌های کشور برحسب میانگین درصد مهاجرت‌های آسیب‌زا و

میانگین ضریب ناامنی محیطی

طبقات	نام استان‌ها	تعداد	میانگین ضریب ناامنی محیطی	میانگین درصد مهاجرت‌های آسیب‌زا
۱	البرز	۱	۹.۱۲۲	۱۸
۲	تهران، اصفهان	۲	۹.۱۰۱	۵.۱۶
۳	خراسان رضوی، همدان، خراسان جنوبی، لرستان، کرمانشاه، فارس، گیلان، کردستان	۸	۲.۸۷	۸.۱۵
۴	سمنان، آذربایجان غربی و شرقی، خراسان شمالی، مرکزی، خوزستان، گلستان، قزوین، قم، بوشهر، مازندران	۱۱	۵.۷۰	۲.۱۵
۵	سیستان و بلوچستان، کرمان، ایلام، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویر احمد، زنجان، اردبیل، هرمزگان، یزد	۹	۷.۵۴	۴۴.۱۳

بررسی رابطه شاخص‌های مهاجرتی با ضریب ناامنی محیط اجتماعی

جدول شماره (۱۰)، ضریب همبستگی ناامنی محیطی با درصد مهاجرت‌های آسیب‌زا و میزان خالص مهاجرت را نشان می‌دهد. همچنان‌که ملاحظه می‌شود، با ضریب اطمینان ۹۹.۹۹ درصد بین مهاجرت‌های آسیب‌زا و ضریب ناامنی محیطی، همبستگی معنادار (۲: ۰.۵۷۶) وجود دارد.

جدول ۱۰: ضریب همبستگی شاخص‌های مهاجرتی با ضریب ناامنی محیط اجتماعی

نام متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
درصد مهاجرت‌های آسیب‌زا	۰.۵۷۶**	۰.۰۰۱
میزان خالص مهاجرت	۰.۲۶۱	۰.۱۵۷

- Correlation is significant at the 0. 01 level (2-tailed). **
- Correlation is significant at the 0. 05 level (2-tailed). *

با توجه به نتایج آماری بالا می‌توان نتیجه گرفت که خود مهاجرت فی‌نفسه منجر به بروز آسیب‌های اجتماعی نمی‌شود، بلکه کیفیت مهاجرت و میزان انطباق‌پذیری آنها با محیط جامعه مقصد است که زمینه بروز آسیب‌های اجتماعی ناشی از مهاجرت را فراهم می‌کند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این تحقیق با استفاده از نمونه ۲٪ از کل مهاجران جابه‌جاشده در کشور در سال ۱۳۹۰، مهاجرت‌های داخلی از نظر آسیب‌شناسی اجتماعی - جمعیتی به دو گروه عمده تقسیم‌بندی شده‌اند: الف) مهاجرت‌های بالقوه آسیب‌زا (ب) مهاجرت بالقوه غیر آسیب‌زا. بر اساس تعریف عملیاتی، مهاجرت‌های بالقوه آسیب‌زا، مهاجرت‌هایی هستند که افراد مهاجر در این نوع مهاجرت‌ها، دارای تحصیلات پایین (زیر دیپلم) هستند و همچنین علت مهاجرت آنها در مبدأ، بیکاری بوده است. به‌علاوه بعد از مهاجرت هم نتوانسته‌اند کاری را دست و پا کنند و از این‌رو در مقصد هم جزء جمعیت بیکار محسوب می‌شوند. برعکس، آن دسته از مهاجرانی که در مبدأ و مقصد دارای شغل و نیز دارای تحصیلات بالای دیپلم بوده‌اند، در دسته مهاجرت‌های بالقوه غیر آسیب‌زا دسته‌بندی شده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که استان همدان با ۱۸.۷ درصد مهاجرت‌ها آسیب‌زا در رتبه نخست قرار دارد. بعد از این استان، استان تهران با ۱۸ درصد، خراسان رضوی با ۱۷.۹ درصد و البرز با ۱۷.۷ درصد در رتبه‌های بعدی مهاجرت‌های آسیب‌زا قرار دارند.

با استفاده از فن تحلیل عاملی و برخی از متغیرهای عمده حوزه آسیب‌های اجتماعی از جمله: نسبت سرقت به کل جمعیت، نسبت معتاد به کل جمعیت و درصد طلاق (بعد اجتماعی ناامنی محیطی) و نیز نرخ بیکاری و درصد اشتغال ناقص (بعد اقتصادی ناامنی محیطی)، شاخص ضریب ناامنی محیط اجتماعی ساخته شد. ارقام به‌دست‌آمده از ضریب ناامنی محیط نشان داد که به ترتیب استان‌های البرز با نمره ۱۲.۲۹، اصفهان با نمره شاخص ۱۰.۳، تهران با نمره ۱۰.۰۹، کرمانشاه با نمره شاخص ۹.۲۳، رتبه اول تا چهارم ضریب ناامنی محیطی را در کشور دارند. بالعکس استان‌های اردبیل با نمره شاخص ۴.۷۴، زنجان با نمره شاخص ۴.۹۸، هرمزگان با نمره شاخص ۵.۰۳ و چهارم‌حال و بختیاری با نمره شاخص ۵.۴۸، دارای کمترین نمره ضریب ناامنی محیطی هستند. بررسی ضریب همبستگی، ضریب ناامنی محیطی با شاخص‌های درصد

مهاجرت‌های آسیب‌زا و میزان خالص مهاجرت را نشان داد. با ضریب اطمینان ۹۹.۹۹ درصد بین درصد مهاجرت‌های آسیب‌زا و ضریب ناامنی محیطی، همبستگی معنادار وجود دارد، اما بین میزان خالص کل مهاجرت و ضریب ناامنی محیطی، همبستگی غیر معنادار و ضعیف مشاهده شد.

نتایج این پژوهش، نتایج تحقیقات خارجی از جمله تحقیقات لی و همکاران (۲۰۰۱)، میرز (۲۰۰۲) و رید (۲۰۰۵) را در زمینه ارتباط مهاجرت و وقوع جرم تأیید می‌کند. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که مهاجرانی که در معرض بیکاری، فقر و دیگر نارسایی‌های اجتماعی هستند، احتمال بیشتری دارد که دست به اعمال خلاف کارانه بزنند. همچنین نتایج این تحقیق با نتایج تحقیقات داخلی جزینی و همکاران (۱۳۸۶)، صدیق (۱۳۷۸) و باقری (۱۳۸۵) همسو است. هزارگریبی و همکاران در تحقیق خود به این نتیجه رسیده‌اند که تنوع جمعیتی، افزایش حضور مهاجران خارجی و ازدیاد جمعیت مهاجر در یک منطقه، اثرات منفی بر امنیت عمومی منطقه خواهد گذاشت.

آنچه در قالب مهاجرت، با ناامنی و وقوع جرم معنا می‌یابد، کیفیت مهاجران و نحوه تعامل آنها با جامعه مقصد است. بسیاری از مهاجرت‌ها نه تنها مسئله‌ساز نیستند، بلکه می‌توانند مفید و عاملی برای توسعه فردی و اجتماعی و اقتصادی باشند. اما مهاجرت‌هایی که در اثر عوامل دافعه منطقه مبدأ از جمله بیکاری و فقر باشد و در عین حال زمینه‌های انطباق اجتماعی و اقتصادی مهاجر در مقصد هم فراهم نشود، زمینه برای بروز آسیب‌های اجتماعی و افزایش وقوع جرم در مقصد است. از این‌رو اولین گام در مدیریت جرائم و آسیب‌های اجتماعی، شناسایی کانون تجمع مهاجرت‌های آسیب‌زا، کنترل و مدیریت آنهاست.

پیشنهادها

الف) ضریب ناامنی محیطی در استان‌های البرز، تهران، اصفهان، خراسان رضوی، همدان، خراسان جنوبی، لرستان کرمانشاه، فارس کردستان و گیلان نسبت به سایر استان‌ها بیشتر است و این ناامنی محیطی به‌طور معناداری با مهاجرت‌های بالقوه آسیب‌زا، رابطه معنادار دارد. از این‌رو باید تمهیدات ویژه‌ای برای کنترل جرم در استان‌های یادشده صورت گیرد.

ب) در تخصیص منابع و نیروی انسانی، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در حوزه پیشگیری و مقابله ضریب ناامنی و توزیع جغرافیایی مهاجرت‌های آسیب‌زا می‌تواند به‌عنوان یک تابلوی راهنما عمل کند.

ج) اجرای اقدامات پیشگیری‌کننده در استان‌های با ضریب ناامنی محیطی بالاتر: به زعم برخی از اندیشمندان، مهاجرت برای فقرا و اقشار آسیب‌پذیر، نوعی تغییر پایگاه فقر از مکان جغرافیایی به مکانی دیگر است. از این‌رو مهاجران فقیر نه‌تنها در جامعه مقصد ادغام و هماهنگ نمی‌شوند، بلکه با به‌وجود آوردن محلات حاشیه‌نشین و فقیرنشین، زمینه‌های بیشتری برای آسیب‌های اجتماعی پیدا می‌کنند. بنابراین باید از مهاجرت این دسته افراد که نه از روی میل و رضا، بلکه از روی ناچاری دست به ترک وطن می‌زنند، از طریق ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب در مبدأ و توانمندسازی آنها اقدام نمود.

د) اقدامات توانمندسازی و انطباقی در استان‌هایی که ضریب مهاجرت‌های آسیب‌زای آنها بیشتر است: صد البته که با تمام تدابیری که صورت می‌گیرد، نظر به قانونی بودن و اختیاری بودن انتخاب محل سکونت بسیاری از مهاجران رانده و وامانده که وارد کلان‌شهرها و مناطق حاشیه‌نشین شهر می‌شوند، به جای اقدامات حذفی و تنبیهی باید شیوه پذیرش تدریجی و ایجاد زمینه‌های انطباق‌پذیری مهاجران را در شهرها و مراکز مهاجرپذیر فراهم نمود. با اتخاذ سیاست‌های ترکیبی و بین‌سازمانی باید در جهت سامان‌دهی و نظارت بر مناطق مهاجرنشین کوشید.

ه) اقدامات مشارکتی و خودیاری محلی: تشکیل انجمن‌های محله‌محور جهت ایجاد اشتغال، شرکت تعاونی‌های محلی و... می‌تواند در محلات مهاجرنشین و حاشیه‌نشین به عنوان یکی از اقدامات پیشگیری‌کننده در بروز جرایم اجتماعی عمل کند.

و) اقدامات انتظامی و کنترلی: در کنار تدابیر صورت‌گرفته در مبدأ و مقصدهای مهاجرتی، این احتمال می‌رود که در محلات مهاجرنشین فقیر و سازمان‌نیافته و محلات اطراف آنها، سطح رفتارهای بزه‌کارانه و مجرمانه افزایش یابد. از این‌رو اتخاذ تدابیر لازم امنیتی از جمله تأمین تعداد نیروی پلیس متناسب با جمعیت محلات، ایستگاه‌های پلیسی مکان‌یابی‌شده دقیق از طریق GIS، استفاده از دوربین‌های مداربسته در مکان‌هایی که احتمال وقوع جرم در آنها می‌رود، استفاده از انتظامات محلی، شب‌گردها و نگهبان محلی در مناطق پرخطر توصیه می‌شود.

منابع

- باقری، اشرف‌السادات (۱۳۸۳) «حاشیه‌نشینی و رابطه آن با جرم و جنایت»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، سال دوم، شماره ۴ و ۵، صص ۶۵-۸۵.
- بیگی، محسن (۱۳۸۳) «بررسی‌های فرهنگی و اجتماعی»، بولتن دی ماه، خبرگزاری جمهوری اسلامی، تهران.
- جزینی، علیرضا و محمد قالی شورانی (۱۳۸۶) پژوهش‌های مدیریت انتظامی، شماره ۳، صص ۳۴۹-۳۶۵.
- خلعت‌بری، عبدالحسین (۱۳۸۶) مهاجرین و سرقت‌های مسلحانه، دانش انتظامی، دوره (۱)، شماره (۹)، صص ۲۸-۹.
- صدیق، رحمت‌الله (۱۳۷۸) «حاشیه‌نشینی و پیامدهای امنیتی آن (۱)»، ماهنامه علوم انتظامی، شماره ۷، صص ۱۸-۳۵.
- (۱۳۷۸) «حاشیه‌نشینی و پیامدهای امنیتی آن (۲)»، ماهنامه علوم انتظامی، شماره ۸، صص ۲۷-۴۲.
- کانلو، حیدر و کریم قلی‌ایمانی (۱۳۹۱) «نقش نهادهای محله‌ای در کاهش آسیب‌های اجتماعی محله خاک سفید (چگونگی و چرایی)»، تهران، شهرداری تهران، معاونت اجتماعی.
- جزینی، علیرضا، قالی شورانی، محمد (۱۳۸۶) رابطه ویژگی‌های جمعیتی (اجتماعی-اقتصادی) ورامین با امنیت عمومی، پژوهش‌های مدیریت انتظامی.

- Akay, Ö (2017, May) The Effect of Unemployment, Divorce Rate, Internal Migration and Education Status on Crime: An Assessment for Turkey. In 3 rd INTERNATIONAL RESEARCHERS, STATISTICIANS AND YOUNG STATISTICIANS CONGRESS 24-26 MAY 2017 SELÇUK UNIVERSITY.
- Beck, R. H. (1996) The case against immigration: The moral, economic, social, and environmental reasons for reducing US immigration back to traditional levels. Roy Beck.
- Burgess, E. W (2015) "The Growth of the City: An Introduction to a Research Project." In Urban Patterns: Studies in Human Ecology, edited by George A. Theodorson. University Park: Pennsylvania State University Press.
- Butcher, K, F. , Piehl, A. M (1998) "Cross – city Evidence on The Relationship between Immigration and Crime, Journal of Policy Analysis and Management, Vol 17: 457- 493.
- Cullen, F, T. , Wilcox, P (2013) "The Oxford Handbook of Criminological Theory". Oxford University Press.
- Egger, E. M (2019) Internal migration and crime in Brazil (No. wp-2019-112) World Institute for Development Economic Research (UNU-WIDER).
- Fei, G (2005) "Rural Migrants and Shantytown Communities in Chinese cities".

- XXV IUSSP Conference, Tours, France.
- Kollamparambil, U (2019) Immigration, internal migration and crime in South Africa: A multi level model analysis. *Development Policy Review*, 37 (5), 672-691.
- Lee, M. T., Martinez, R., & Rosenfeld, R. (2001) Does immigration increase homicide? Negative evidence from three border cities. *The Sociological Quarterly*, 42(4), 559-580.
- Reid, L. W, Harald, E. W, Adelman, R. M and Jaret Charles (2005) "The Immigration- Crime Relationship: Evidence across U. S Metropolitan Areas". *Social Science Research*, Vol 34: 757-780.
- Sercan, M. , Öncü, F., Ger, M. , Bilici, R. , & Ural, C (2015) Does internal migration affect criminal behavior in schizophrenia patients? *Dusunen Adam- Journal of Psychiatry and Neurological Sciences*.
- Shaw, C, R. , McKay, H (1969) "Juvenile Delinquency and Urban Areas". Chicago: University of Chicago Press.
- Stowell. J (2007) Immigration and Crime: The Effects of Immigration on Criminal Behavior. *Library of Congress Cataloging –in- Publication Data*.
- Wang, F., & Zuo, X. (1999) Inside China's cities: Institutional barriers and opportunities for urban migrants. *American Economic Review*, 89(2), 276-280.

